

سلامی

۱۳۸۱

۸۷/۱/۱۰۴۹۳۷
۸۷/۱/۲۶



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات فارسی و زبان های خارجی

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

فرهنگ ریشه شناختی براساس یادداشت های دکتر محمد معین

اطلاعات آرکائیوی
کتابخانه مرکزی

استاد راهنما
جناب آقای دکتر اورنگ ایزدی

استاد مشاور
سرکار خانم دکتر مهدخت معین

دانشجو
شوبانه صراف

تابستان ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۶

۱۰۸۶۱۰

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

	عنوان:
فرهنگ ریشه شناختی براساس یادداشت‌های دکتر محمد معین	
نویسنده / محقق:	
شویانه صراف	
استاد راهنما: جناب آقای دکتر اورنگ ایزدی استاد مشاور: سرکار خانم دکتر مهدخت معین استاد داور: جناب آقای دکتر رضا مصطفوی سبزه‌واری	
کتابنامه:	واژه نامه:
دارد	ندارد
نوع پایان نامه:	<input checked="" type="checkbox"/> بنیادی <input type="checkbox"/> توسعه‌ای <input checked="" type="checkbox"/> کاربردی
مقطع تحصیلی:	سال تحصیلی:
کارشناسی ارشد	۱۳۸۷
محل تحصیل:	نام دانشگاه:
تهران	علامه طباطبائی
تعداد صفحات:	گروه آموزشی:
۲۵۱	زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه‌ها به زبان فارسی:	
زبان، لهجه، فرهنگ، ریشه شناختی، واژه، اشتقاق، واژه دخیل (وام واژه)	
کلید واژه‌ها به زبان انگلیسی:	
language, dialect, dictionary, etymology, word, derivation, loan word.	

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

ارائه فرهنگ اشتقاقی یکدست بر پایه یادداشتهای چاپ شده و چاپ نشده مرحوم استاد معین هدف این مجموعه است.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسشها و فرضیهها:

پرسشهای پژوهش: منشأ لغات ایرانی و غیرایرانی مستعمل در فارسی چیست؟

لغات دخیل بیشتر از کدام زبانها وارد زبان فارسی شدهاند و نوع این لغات چیست؟ (علمی، غیرعلمی) ریشه لغات ایرانی در کدام یک از زبانهای کهن دست یافتنی تر است؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روشهای

نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل دادهها:

در این پایان نامه سعی شده است یادداشتهای ریشه شناسی دکتر معین در حواشی برهان قاطع،

فرهنگ معین و فیشهای چاپ نشده فرهنگ مشروح جمع آوری شود. (از آغاز تا لغت ببر)

ت. یافتههای تحقیق:

بعد از زبان عربی بیشترین لغات از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شدهاند و اکثر لغات دخیل یا وام

واژهها اصطلاحات علمی (گیاه شناسی، پزشکی، جانورشناسی و...) هستند. بسیاری لغات که منشأ

لاتین و یونانی دارند از طریق زبان عربی وارد زبان فارسی شدهاند و شکل معرفی آنها در فارسی استفاده

می شود.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

زبان فارسی نیازمند یک فرهنگ ریشه شناختی جامع و کامل است. نگارش چنین فرهنگی نیازمند

سالها زحمت و تلاش استادان متخصص است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی

می نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر اورنگ ایزدی

سمت علمی: استادیار

نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

علی حسینی

رئیس کتابخانه

تقدیم به

روح زنده استاد، که در رگ حیات خانه جاریست.

تقدیم به مادر

سپاس نامه

آغاز هر حمد و انجام هر ستایش، مخصوص خدا است که بی دلالت او نفسی بر نمی‌آمد تا سخنی خلق شود.

این پایان نامه حاصل درخشش خورشید میراثی است که از پدران بزرگمان نسل به نسل و سینه به سینه بر تاریک خانه قلب کوچکمان طلوع کرده است؛ میراث با عظمت بزرگان، دانشمندان و ادیبانی که بی لطف وجود ایشان نه راه‌های ناهموار سپرده می‌شد و نه بیراهه‌های ناپیدا، آشکار.

سپاس و ستایش بر روح پدران بزرگ، صاحبان خانه قلب هایمان - شادروان دکتر محمد معین و مرتضی صراف

درود و آفرین بر خانه علم آموزشی‌ام، دانشگاه علامه طباطبایی و خانواده دانشگاهی‌ام گروه زبان و ادبیات فارسی - و استادان گرامی این مجموعه - که چون نگینی بر تارک سپهر پژوهش و تحقیق می‌درخشند.

سپاس فراوان از استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر ایزدی که در این راه مرا به علم و دانش بی‌کران خویش رهنمون شدند.

درود بی پایان بر حمایت‌ها و هدایت‌های بی‌دریغ استادی که مادر تمام لحظه‌های عمر من است و بوسه می‌زنم بر دستان مهربانی که نه در مشاوره این پایان نامه که همواره حق مادری و استادی ایشان بر عهده من است.

تقدیر و تشکر فراوان از همیاری‌ها و همفکری‌های بستگان یاریگر همایون معین، پریچهر معین، کارمین صراف، سپهر سپهری و دوستان خوب مونا تمدن، سمانه ستوده، سونا سلیمیان و فاطمه مرادی که با هر لحظه از اجابت ایشان به خواسته‌هایم، گره‌ای از این کار گشوده می‌شد.

فهرست مطالب

چکیده

یک	مقدمه
هفت	نشانه‌های اختصاری فرهنگ معین
شانزده	معرفی برخی از لهجه‌ها و زبانهای ایرانی
شانزده	زبان آسنی (آستی)
شانزده	اورامی
هفده	زبان طالشی
هفده	منجی یا منجانی و یدغا
هفده	یغناپی
هجده	سغدی
هجده	لهجه‌های ناحیه شهر سمنان
نوزده	گوش‌های پامیری
بیست	گوش نطنزی
بیست	بلوچی
۱	بخش اول: لغات
۱	آ
۴۰	ا
۱۱۹	ب
۱۳۶	بخش دوم: واژه‌های دساتیر در برهان قاطع
۱۳۷	دساتیر
۱۴۰	بخش سوم: واژه‌های هزوارش
۱۴۰	در برهان قاطع
۱۴۱	هزوارش
۱۴۶	بخش چهارم: واژه‌های مصحف در برهان قاطع
۱۵۳	بخش پنجم: فهرست‌ها
۱۵۴	فهرست کلمات روسی
۱۵۴	فهرست کلمات یونانی
۱۵۷	فهرست کلمات لاتین
۱۵۹	فهرست کلمات ایتالیایی
۱۵۹	فهرست کلمات انگلیسی
۱۶۰	فهرست کلمات فرانسه
۱۶۶	فهرست کلمات ترکی
۱۷۰	فهرست کلمات مغولی
۱۷۲	فهرست کلمات هندی

۱۷۲	فهرست کلمات اسپانیایی
۱۷۲	فهرست کلمات آلمانی
۱۷۲	فهرست کلمات مالزی
۱۷۲	فهرست کلمات پرتغالی
۱۷۲	فهرست کلمات اوستایی
۱۷۶	فهرست کلمات چینی
۱۷۶	فهرست کلمات پهلوی
۱۸۷	فهرست کلمات معرب
۱۹۱	فهرست کلمات سانسکریت
۱۹۲	فهرست کلمات از عربی
۱۹۳	فهرست کلمات ایرانی باستان
۱۹۳	فهرست کلمات پارسی باستان
۱۹۴	فهرست کلمات سریانی
۱۹۴	فهرست کلمات مشروح
۱۹۸	بخش ششم: نمودارها
۲۰۷	منابع معین
۲۱۱	مآخذ فارسی و عربی و ترکی و پشتو و اردوی برهان قاطع
۲۱۹	مآخذ برهان قاطع به زبان‌های اروپایی
۲۲۳	منابع نگارنده
۲۲۳	فهرست کتب
۲۲۴	فهرست مقالات
۲۲۴	فهرست منابع لاتین

گرایش همواره بشریه ریشه یابی و تأویل لغات به اصل واحدی که از آن سرچشمه گرفته‌اند، باز نمود یکی از نیازهای اساسی ذهن آدمی است که ناخشنود از وضع و سامان جهان کنونی، خواهان بازگشت به گذشته دور و دراز و روزالست و رسیدن به اصل و ریشه‌ها و آویختن به آنهاست؛ این اشتیاق ناخودآگاه برای بازگشت به ابتدای چرخه نخستین زمان و رسیدن به سرآغازها و بدایت‌ها در جریان افسانه پردازی براساس وجه اشتقاق اسامی خاص و نام‌های جغرافیایی تسری یافته و سبب شده است که هر جا ضرورتی احساس می‌شد، نویسندگان، شاعران، اهل فضل و حتی عامه مردم از طریق فقه اللغة عامیانه و بازی با الفاظ به ریشه یابی‌ها و ریشه تراشی‌ها بپردازند. اینگونه ریشه یابی‌های غیر علمی و ترفندهای لغوی از ادوار گذشته تا اعصار بعدی یعنی تا پایان قرن هجده میلادی همچنان ادامه داشت و در قرن نوزدهم در سایه تحقیقات ارزنده محققان زنده‌ای چون کریستین راسک^۱، اگوست پات^۲، فرانز بوب^۳، یاکوب گریم^۴، اگوست شلایخر^۵ و دیگران، خویشاوندی زبان‌های هند و اروپایی و انشعاب همه آنها از یک زبان کهن مفروض شناخته و به تبع آن، شالوده زبان‌شناسی نوین و به ویژه زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی پی ریزی شد. چون در تدوین دستور تطبیقی زبان‌های هند و اروپایی، سنجش واژه‌های زبان‌های خویشاوند با یکدیگر و بازسازی گونه‌های مفروض لغات در زبان هند و اروپایی مادر، اطلاع از مبانی و قواعد علمی تحولات آوایی بسیار اهمیت داشت، ریشه‌شناسی نیز اهمیتی به سزا یافت و به صورت یکی از ارکان فقه اللغة تاریخی درآمد. در آخرین دهه‌های نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، گروهی از زبان‌شناسان - که بعدها به نو دستوریان مشهور شدند - در دانشگاه لایپزیک آلمان گرد آمدند و با پیگیری تتبعات دانشمندان یاد شده، به تحقیقات تطبیقی درباره زبان‌های هند و اروپایی ادامه دادند. کسانی همچون هرمان گراسمان^۶، ج. کورتیوس^۷، برتولد دلبروک^۸، کارل بروگمان^۹، هرمان اوستهوف^{۱۰} و دیگران، با بازشناسی و تدوین ضوابط دقیق و استثناپذیر ضوابط ناظر بر تغییرات آوایی در حیطه واج‌شناسی (فونولوژی) و قواعد ناظر بر دگرگونی‌های صرفی - که اغلب بر مبنای قیاس در زمینه ساخت واژه (مورفولوژی) صورت می‌پذیرد - هریک به نحوی به استواری و تحکیم بنیاد علمی ریشه‌شناسی کمک کردند و با رعایت دقیق این قواعد در بازسازی گونه‌های قدیمتر لغات در مراحل پیشین زبان‌های مورد مطالعه، نشان دادند که تغییرات لغوی، به طور اعم، و تحولات آوایی، به طور اخص، در هر زبانی

1. K. Rask

2. A. Pott

3. F. Bopp

4. J. Grimm

5. A. Schleicher

6. Hermann Grassmann

7. J. Courteous

8. Berthold Delbrück

9. Karl Brugmann

10. Hermann Osthoff

قانونمند هستند و استثنا نمی پذیرند و در هر پژوهشی در زمینه زبان‌شناسی تاریخی، از جمله ریشه‌شناسی، باید این قوانین را مدنظر داشت. نو دستوریان، با پیشرفت‌های چشمگیری که در این زمینه نصیبشان شد، بر تأویلات دلبخواهی و ریشه‌تراشی‌های بی‌قاعده پیشینیان قلم بطلان کشیدند و به هرج و مرجی که از دیرباز بر این شعبه از دانش زبان‌شناسی حاکم بود، خاتمه دادند.

بررسی‌های نو دستوریان نیز ناگزیر دارای نقایصی بود که زبان‌شناسان بعدی با ارائه نظریات جدید به جرح و تعدیل مباحث آنها پرداختند. مکاتب جدید با نقطه نظرات متفاوت درباره ریشه‌یابی لغت با تأکید بر معناشناسی و تحولات معنایی ظهور کردند و به پژوهش‌های ریشه‌شناختی همراه با تحقیقات باستان‌شناسی، فرهنگ عامه، مردم‌شناسی، تاریخ تحول نهادهای مهم اجتماعی و مبانی حقوقی، اقتصادی و مذهبی پرداختند و با ریشه‌پژوهی سنتی به شیوه نو دستوریان که صرفاً ناظر به تحولات آوایی الفاظ بود، مخالفت خود را ابراز داشتند. گرایش نوین ریشه‌شناسی، هدف از اشتقاق واژگان را آگاهی از مراحل متعدد هر واژه در رابطه با واژه‌های دیگر یک زبان می‌دانست.

گروه دیگری از محققان که در قرن بیستم در صدد رفع کاستی‌های ریشه‌شناسی سنتی رایج در نزد نو دستوریان برآمدند، گرایش شناسانی بودند که بر اهمیت فقه اللغه از لحاظ جغرافیایی و یا جغرافیای زبانی و لهجه‌ای در بررسی‌های ریشه‌شناختی تأکید داشتند و به حق اهمیت گونه‌های گویشی لغات و تفاوت‌های لفظی و معنایی را که بین واژگان زبان‌های معیار و صور لهجه‌ای آن واژه‌ها به چشم می‌خورد، یادآوری کرده و کوشیدند تا دلیل‌گزینش صورتی از میان صور گوناگون یک لغت در زبان‌های ادبی را شناسایی کنند و یا بالعکس، دلیل پذیرفته شدن چند گونه از واژه‌های واحد را در یک زبان که همزمان به کار می‌روند و جز یک گونه اصلی، صورت‌های دیگر آن واژه جنبه لهجه‌ای دارند، پیدا کنند. پس از این جریان افق‌های جدیدی در زمینه ریشه‌شناسی از جمله ریشه‌شناسی مادی، روحانی، درونی، برونی و... پدید آمد که وجه مشترک این گرایش‌های نوین را می‌توان به‌داده‌ها دادن بیش از حد به مبحث معنی‌شناسی دانست تا جایی که برخی از پژوهندگان جنبه تاریخی پژوهش‌های ریشه‌شناختی را که در واقع رکن اصلی این شعبه از دانش زبان‌شناسی است، تقریباً به کنار نهاده و تنها جنبه معنی‌شناسی این علم را در خور توجه و عنایت قرار داده‌اند اما در واقع هدف اصلی ریشه‌شناسی این نیست که معانی واژگان یک زبان را - چه در حال و چه در ادوار گذشته - تعیین کند؛ بلکه در پژوهش‌های ریشه‌شناختی علاوه بر جستجو برای یافتن مفاهیم واژه‌ها در مراحل متعدد، محقق با بررسی عناصر تشکیل دهنده یک واژه، صورت نخستین و معنی اولیه آن را که از نحوه ساخت و چگونگی اشتقاق آن واژه در رابطه با واژه‌های دیگر در نظام کلی یک زبان استنباط می‌شود، به دست می‌آورد. در ریشه‌شناسی، شناخت دگرگونی‌های الفاظ به همان میزان اهمیت دارند که شناخت تحولات آوایی. در واقع معنی‌شناسی و آواشناسی به منزله دو چشم پژوهشگری هستند که در زمینه ریشه‌پژوهی به کاوش و جستجو می‌پردازد. بنابراین در پژوهش‌های مربوط به این شعبه از زبان‌شناسی، همواره باید اصل تعادل را مدنظر داشت.

با پیشرفت روزافزون دانش زبان‌شناسی تاریخی، تقریباً برای همه زبان‌های هند و اروپایی و حتی، در برخی موارد، برای گویش‌های پراکنده هر یک از این زبان‌ها، فرهنگ‌های اشتقاقی و معتبری تألیف شده است؛ لغت‌نامه‌های اشتقاقی زبان یونانی باستان، زبان لاتین، زبان هندی باستان، زبان روسی و... از این دسته‌اند که توسط محققان بزرگ سراسر دنیا گردآوری و تدوین شده‌اند. اما در حیطه زبان‌های ایرانی برای برخی از زبان‌ها و گویش‌های کم‌اهمیت‌تر از زبان فارسی، قاموس‌های اشتقاقی تدوین شده است، مانند فرهنگ اشتقاقی زبان پشتو و دسته‌گویش‌های شغنی از تألیفات مورگن اشترنه، و یا فرهنگ پر ارزش زبان ختنی (سکایی) تألیف استاد فقید بیلی و فرهنگ تاریخی و ریشه‌شناختی زبان استی (آسی) تألیف آبیاف و در این میان تنها زبان فارسی که از جهت دارا بودن ادبیات بسیار غنی و پیشینه هزار و اند صد ساله فرهنگی و تاریخی و پیوستگی آن با زبان‌های فارسی میانه و باستان، یکی از مهمترین زبان‌های جهان شمرده می‌شود، از داشتن فرهنگ ریشه‌شناختی جامع و معتبر محروم مانده است و از صد سال پیش تا امروز، همه محققانی که به نحوی از انحاء، با فرهنگ و زبان‌های ایرانی سرکار داشته‌اند و نیز همه پژوهندگان زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی در حیطه زبان‌های هند و اروپایی، بر سر یک نکته هم داستان بوده و هستند و آن اینکه تدوین فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی یک ضرورت علمی عاجل است.^۱ البته در این زمینه تنها می‌توان به قاموسی با عنوان «اساس اشتقاق فارسی» که محقق معروف آلمانی پاول هرن^۲، تدوین کرده اشاره نمود که با آنکه بودنش نعمت بزرگی است، به هیچ وجه برای پژوهندگان ریشه‌شناسی زبان فارسی قاموسی جامع و کافی نیست چراکه تألیف یک فرهنگ ریشه‌شناسی جامع فارسی به دلیل کلاسی و سترگی حجم کار و دشواری بیش از اندازه آن، ویژگی پیکره‌واژگان زبان فارسی^۳ و کثرت و پراکندگی تحقیقاتی که تاکنون در زمینه فرهنگ و زبان‌های ایرانی انجام گرفته است، رسالتی است که جز با استفاده از کارگروهی و پژوهش جمعی تعدادی از لغت‌شناسان و زبان‌دانان به انجام نمی‌رسد و از عهده فردی خاص خارج است.^۴

با این پیشینه اندکی که درباره تدوین فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی برشمرده شد، ناگفته پیداست

۱. در سال‌های اخیر جلد اول «فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی» (آ-ت) تألیف دکتر محمد حسن دوست منتشر شده است. (ش. ص.)

2. Paul Horn

۳. نزدیک به نیمی از لغات رایج فارسی لغات دخیل عربی‌اند. در وهله اول چنان می‌نماید که در فرهنگ ریشه‌شناختی فارسی لازم نیست که بدین وام‌واژه‌ها پردازیم؛ در صورتی که چنین نیست. اغلب الفاظ تازی در زبان فارسی، در جریان تطابق ناگزیر ساختارشان با نحوه واج آرایبی فارسی و طی کاربردشان در زنجیره واژه‌های این زبان، هم از لحاظ صورت و هم از لحاظ معنی دچار نوعی «تفریس» شده‌اند. که باید در قاموس ریشه‌شناختی جامع زبان فارسی بررسی شوند. این قاعده در مورد لغات دخیل از زبان‌های دیگر نیز صدق می‌کند. (سرکاراتی به نقل از حسن دوست، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۲)

۴. برگرفته از مقاله «درباره فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی و ضرورت تدوین آن» نوشته دکتر بهمن سرکاراتی. (حسن دوست، ۱۳۸۳: ۳-۲۸)

که هر تلاش و تکاپوی کوچکی که به جمع آوری مواد و اطلاعات ریشه‌شناسی لغات فارسی بینجامد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رونگارنده نیز - که خود را جامع شرایط لازم یک محقق نمی‌داند - در حد توش و توان خود بر آن بوده است تا با مطالعه دقیق گنجینه ارزشمند دانش لغت‌شناسی که توسط استاد فاضل دکتر محمد معین گرد آمده و در آثار گران سنگی چون «فرهنگ معین»، «حواشی برهان قاطع» و «فیش‌های چاپ نشده فرهنگ مشروح» ثبت و ضبط شده است، به تدوین و تنظیم مجموعه‌ای کوچک پردازد؛ باشد که گامی هرچند کوچک در جهت تحقق خواست آن استاد گرانمایه برای نگارش «فرهنگ ریشه‌شناسی و لغت‌شناسی» بردارد.

در مورد سه منبع مذکور که نگارنده در تدوین این مجموعه از اطلاعات ریشه‌شناسی آنها بهره گرفته است، توضیحات زیر خالی از فایده نیست:

۱- دکتر معین با مطالعات و تحقیقات زبان‌شناسی و ریشه‌شناسی گسترده‌ای که بر مدخل‌های برهان قاطع انجام داده‌اند، علاوه بر نگارش مقدمه جامعی درباره زبان‌ها و لهجه‌های پارسی و زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی مورد استفاده در برهان قاطع، حواشی ارزنده‌ای را که شامل ریشه‌یابی لغات در زبان‌های هند و اروپایی و به ویژه زبان‌های ایرانی و بررسی تغییرات آوایی واژه‌ها در لهجه‌های مختلف ایرانی است، به رشته تحریر درآوردند و در حقیقت فرهنگی چون برهان قاطع به اعتبار حواشی محققان آن، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

۲- فرهنگ فارسی که توسط دکتر محمد معین گردآوری و تدوین شده است از منابع معتبر لغت‌شناسی فارسی محسوب می‌شود و به اذعان آن دانشمند فقید، فرهنگ حاضر، نخستین فرهنگ مستقلی است که در راه معرفت بر ریشه و وجه اشتقاق و ترکیب لغات و اعلام گام برداشته و این مسئله تا قبل از نگارش فرهنگ فارسی معین، در فرهنگ‌های قدیم و جدید فارسی بی سابقه بوده است. دکتر معین در آغاز فرهنگ متوسط خود نیز به نگارش مقدمه مفصلی اهتمام ورزید که از توجه و دانش کم نظیر وی درباره زبان‌شناسی و ریشه‌یابی لغات خبر می‌دهد و با معرفی زبان‌های هند و اروپایی به عنوان منابع زبان فارسی به شرح زبان‌های هند و ایرانی و تقسیم بندی‌های مربوط به آن پرداخته و اطلاعات جامعی درباره زبان‌های ایرانی کهن، ایرانی میانه و ایرانی کنونی به دست داده‌اند و همچنین فهرستی کامل از عناصر اصلی زبان فارسی که از زبان‌های مختلف شرقی و غربی وارد زبان فارسی شده، آورده‌اند.

۳- فیش‌های چاپ نشده فرهنگ مشروح، مجموعه‌ای ارزشمند از لغات و ترکیباتی است که دکتر معین برای تألیف فرهنگ مشروح فارسی جمع آوری کرده بود و متأسفانه این گنجینه اطلاعاتی هرگز به دست توانای ایشان به تدوین نهایی نرسید. از آنجا که دکتر معین فرهنگ متوسط را با انتخاب لغات و ترکیبات ضروری‌تر از میان فیش‌های فرهنگ مشروح بیرون کشیده‌اند و بنا به کاربرد فرهنگ متوسط اطلاعات مختصرتری راجع به ریشه لغات در آن مطرح شده است، فیش‌های به چاپ نرسیده

فرهنگ مشروح از گنجینه لغات بیشتر و منابع ریشه‌شناسی مفصل‌تری برخوردار است. این پایان‌نامه با عنوان «فرهنگ ریشه‌شناختی براساس یادداشت‌های دکتر محمد معین»، در شش بخش تنظیم شده است:

در بخش اول به ذکر آن دسته از مدخل‌های حرف «آ»، «ا» و قسمتی از حرف «ب» پرداخته شده که جزء یکی از پنج گروه لغات زیر باشند:

- ۱- لغاتی که ریشه آنها در یکی از زبان‌های کهن ایرانی ذکر شده است. مانند: آریغ [پب. araika]
- ۲- لغاتی که ریشه آنها در یکی از زبان‌های غیرایرانی - به استثنای زبان عربی - ذکر شده است و با عنوان واژه‌های دخیل در زبان فارسی به کار می‌روند. مانند: آبجی [تر. آخاباجی = آباچی]
- ۳- لغاتی که معادل آنها در یک یا چند زبان یا لهجه ایرانی ذکر شده است. مانند: آسپ [طبر. sīb]
- ۴- لغاتی که یا صورت معرب آنها ذکر گردیده و یا خود از کلمات معرب به حساب می‌آیند. مانند: آجر [معر. آگور]
- ۵- لغاتی که ریشه عربی دارند اما کاربرد لفظی و معنایی متفاوتی در زبان فارسی پیدا کرده‌اند. مانند:

اخلال طلب [ازع.]

شیوه ارائه اطلاعات مربوط به هر مدخل پیرو روشی است که دکتر معین در فرهنگ فارسی اتخاذ کرده‌اند؛ بدین ترتیب که ابتدا تلفظ هر واژه به صورت آوانویسی آمده سپس توضیحات ریشه‌شناختی و دستوری مربوط به آن واژه ذکر گردیده و در بعضی موارد معادل‌های مختلف لغت در زبان فارسی و در صورت لزوم توضیحاتی راجع به عامیانه بودن واژه، کم استعمال بودن لغت، غیرفصیح بودن آن و وضع واژه در فرهنگستان آورده شده است. درباره معنی واژگان به حداقل توضیحات اکتفا شده و در مواردی که نوع لغت از نظر علمی مشخص گردیده مانند: (گیا)، (پز)... از توضیح معنی اصطلاحی و تخصصی آن واژه صرف نظر شده است. در ادامه توضیحات ریشه‌شناسی و گویش‌شناسی لغت از برهان قاطع با ذکر منبع، نقل شده است.

در بخش دوم، لغات دساتیر - از الف تا انتهای ب - از برهان قاطع آورده شده و مطالب ریشه‌شناختی مربوط به آنها نیز نقل شده است.

در بخش سوم، لغات هزوارش - از الف تا انتهای ب - از برهان قاطع آورده شده و مطالب ریشه‌شناختی مربوط به آنها نیز نقل شده است.

در بخش چهارم، لغات مصحف - از الف تا انتهای ب - از برهان قاطع آورده شده و مطالب ریشه‌شناختی مربوط به آنها نیز نقل شده است.

در بخش پنجم، فهرست‌هایی کاربردی از دسته‌های مختلف لغات تنظیم شده و برای استفاده ارائه شده است؛ فهرست‌هایی که شامل لغات با ریشه ایرانی باستان، اوستایی، پهلوی، سانسکریت، پارسی باستان می‌باشد و فهرست‌هایی از لغات دخیل با ریشه انگلیسی، ایتالیایی، ترکی، فرانسوی، لاتین،

مغولی و یونانی، و نیز فهرست واژگانی که از فیش‌های فرهنگ مشروح نوشته شده است.

در بخش ششم نیز نمودارهای آماری ریشه لغات ترسیم شده است.

برای مطالعه بهتر این پایان نامه توجه به نکات زیر ضروری می‌نماید:

۱- جدول علائم اختصاری مورد نیاز برای فرهنگ اشتقاقی حاضر در آغاز بخش‌های پایان نامه آورده شده است.

۲- شیوه آوانویسی لغات به همان ترتیبی که در منابع سه گانه موجود است، رعایت شده و توضیح موارد اختلافی در پاورقی آمده است. آوانویسی ریشه‌ها در حواشی برهان با فرهنگ معین متفاوت است. عیناً به همان صورت نقل شده است.

۳- نگارنده در رسم الخطی که دکتر معین در آثار خود داشته‌اند تغییرات کوچکی چون جداکردن حرف اضافه «به» و پیشوند «می» از کلمه بعد، قایل شده است.

۴- نگارنده اختلافات جزئی در نگارش علائم اختصاری که در فرهنگ فارسی و فیش‌های مشروح به کار رفته را یک دست کرده است. مانند: کاربرد (شیم.) به جای استفاده از دو نشانه (شیم.) و (شم.).

۵- در این مجموعه سعی بر آن بوده است که از ذکر کلمات مشتق و مرکب پرهیز شود مگر در مواردی که برای شکل مشتق و مرکب لغت، توضیح ریشه شناختی خاصی وجود داشته است و یا کلمه مرکب، لغتی دخیل بوده که در این صورت کلمه‌ای بسیط به حساب می‌آید. مانند: آیین نامه

[په . āyīn nāmak]

۶- کلماتی که از نظر لفظی و نگارشی مثل یکدیگر بوده اما معنی و ریشه لغوی متفاوت داشته‌اند، با شماره‌های مختلف در ذیل یک مدخل، مشخص و توضیح داده شده است. البته برخی از این شماره‌ها مطالب ریشه شناختی خاصی ندارند و فقط برای تمایز ذکر شده‌اند.

۷- آن قسمت از توضیحات ریشه شناختی هر مدخل که زیر آن خط کشیده شده است مربوط به اطلاعاتی است که از فیش‌های چاپ نشده فرهنگ مشروح نقل شده‌اند.

۸- ارجاعات هر مدخل اگر به کلمه‌ای بعد از لغت «ببر» مربوط می‌شده در ذیل همان مدخل، نگارنده به توضیح لغت ارجاعی پرداخته است.

۹- منبع توضیحات ریشه شناختی مدخل‌هایی که از حواشی برهان قاطع نقل شده‌اند، در ذیل آن مدخل آورده شده است.

۱۰- در توضیحات لغات دخیل اگر قبل از ورود به زبان فارسی، زبان مبدأ دیگری نیز داشته‌اند، مشخص گردیده است.

نشانه‌های اختصاری فرهنگ معین

علامت اختصاری این مجموعه بر دو بخش است:

۱- نشانه‌های مربوط به زبانها، نکات دستوری، شعب علوم و غیره

نشانه اختصاری	مفهوم	نشانه اختصاری	مفهوم
آرا.	آرامی	پاز.	پازند
+ آلم.	نگارنده (ش. ص.) ^۱	پب.	پارسی باستان
ا.	آلمانی	پز.	پزشکی
ا.خ.	اسم	پس.	پسوند
ار.	اسم خاص	پشف.	پیشوند فعل
اسپا.	ارمنی	په.	پهلوی
است.	اسپانیایی	تد.	تداول
ا.ش.	اوستایی	تر.	ترکی
ا.صت.	اشاره (اسم، ضمیر)	ج.	جمع
اصط.	اسم صوت	ج.	جمع
ا.صف.	اصطلاحاً	جاذ.	جانورشناسی
ا.ض.	اصفهان‌ی	جب.	جبر
ا.فا.	اضافه	جج.	جمع الجمع
ا.فع.	اسم فاعل	چا.	چاپ
ا.فغ.	اسم فعل	چاپ.	چاپخانه
ا.قت.	افغانی	حا.	حال
ا.مر.	اقتصادی	حامص.	حاصل مصدر
ا.مص.	اسم مرکب	حد.	حدیث
ا.مع.	اسم مصدر	حن.	حرف
ا.مف.	اسم معنی	حس.	حساب
ا.مک.	اسم مفعول	حسا.	حسابداری
انگ.	اسم مکان	خم.	مرخم
اورام.	انگلیسی	دس.	دستور
ایبا.	اورامانی	رد.	ربط (حرف)
ایتا.	ایرانی باستان	رس.	روسی
بانکد.	ایتالیایی		
	بانکداری		

۱. خاص پایان نامه حاضر.

مفهوم	نشانه اختصاری	مفهوم	نشانه اختصاری
غیرمستعمل	غم.	ریاضی	رضه.
فارسی	ف.	رجوع کنید	رک.
فرانسوی	فر.	روزنامه نگاری ^۱	رو.
فرهنگستان	فره.	روانشناسی	روان.
فریزندی (لهجه)	فریز.	ریشه	ریه.
فیزیک	فز.	زیانشناسی	زیان.
فعل	فع.	زمین شناسی	زم.
فلسفه	فلا.	زمان	زما.
فیزیولوژی	فیز.	سطر	س.
قید (دستوری)	ق.	سریانی	سر.
قافیه	قا.	سغدی	سغه.
مقلوب (قلب)	قب.	سنسکریت	سنسد.
قدیم	قد.	سیاست	سیا.
قرن	قر.	سینما	سیند.
قیاس کنید	قس.	پیشوند	پشد.
قبل از میلاد	ق م.	شیمی	شیم.
کردی	کر.	صفت	ص.
کشاورزی	کشا.	صفحه	ص.
کلام (علم)	کلا.	صوت	صت.
کم استعمال	کم.	صفت تفضیلی	ص تفض.
کتابه	کذ.	صرف (تصریف)	صر.
کیمیا	کیم.	صفت شغلی	ص شغل.
گیاه شناسی	گیا.	صفت فاعلی	ص فا.
گیلکی (لهجه)	گید.	صفت لیاقت	ص لیا.
لازم (فعل)	ل.	صفت نسبی	ص نسب.
لاتینی	لا.	توضیح	ضح.
تلفظ	لظ.	ضمیر	ضم.
متعدی (فعل)	م.	طبری (زبان)	طبر.
مازندرانی (لهجه)	ماز.	ظاهراً	ظ.
مانوی (زبان)	ماذ.	عربی	ع.
مترک (ترکی شده)	متر.	عبری	عبر.
		عامیانه	عم.
		غیرفصیح	غفص.

نشانه اختصاری	مفهوم	نشانه اختصاری	مفهوم
مج.	مجازاً	نقد.	نقد (مسکوکات)
محر.	محرّف	نم.	نمایش، نمایشنامه
مخف.	مخفف	ور	ورزش
مر.	مرکب	ه.	هجری
مس.	موسیقی	ه.ش.	هجری شمسی
مص.	مصدر	ه.ق.	هجری قمری
مصح.	مصحف	هلذ.	هلندی (زیان)
مصغ.	مصغّر	ه.م.	(به) همین ماده رجوع شود
مص ل.	مصدر لازم	همع.	همه معانی
مص م.	مصدر متعدی	هند.	هندی (زیان)
مع.	معنی (اسم)	هو	هواشناسی
معر.	معرّب	هوا.	هواپیمایی
مغ.	مغولی	یو.	یونانی
مفر.	مفرس (فارسی شده)	~	تکرار ماده اصلی
مق.	مقابل	↓	به ماده ذیل (بلاواسطه یا
مکذ.	مکانیک		مع الواسطه) رجوع شود
می.	میان وند (حرف واسطه)	←	رجوع شود به
نسب.	نسبت (اسم یا صفت منسوب)	↑	به ماده فوق (بلاواسطه یا
نظ.	نظامی		مع الواسطه) رجوع شود
نق.	نقاشی		

۲- نشانه‌های مربوط به کتابها، مؤلفان، مصححان و ناشران

نشانه اختصاری	کتاب، مؤلف، مصحح، ناشر	شماره مذکور در فصل مآخذ
اسشق	اساس اشتقاق لغت فارسی	۷۴
مدات.	مجله دانشکده ادبیات تهران	---
نداب.	نشریه دانشکده ادبیات تبریز	---
هویشمان.	تبعات فارسی	۷۵

جدول تطبیق حروف لاتینی با حروف فارسی برهان قاطع

حروف مقرر	معادل فارسی	مثال
'	(همزه. نظیر همزه آخر کلمات عربی)	ابتلاء (عربی) 'ebtelâ
"	آ (الف ممدود. در خطوطی که حرکات داخل حروف نیست)	به معنی آزمودن و گرفتاری آدینگ (پارتی) "adyng" به معنی آینه
'a	ا (همزه مفتوح)	ابر (فارسی) abr
â	آ (الف ممدود)	آباد (فارسی) âbâd
à	آ (در بینی تلفظ شود)	آخنه (اوستایی) àxna به معنی لگام
á	ا (نوعی فتحه در لهجه‌ها)	ببر (کابلی) bábar به معنی ببر
ä	(نظیر a در man انگلیسی)	بد (گیلکی) bäd به معنی بد
o	ا (همزه مضموم کوتاه)	استاد (فارسی) ostâd
ô	ا (همزه مضموم کشیده)	ایوم (اوستایی) ôyûm به معنی یک
ö	ا (همزه نظیر oe در soeur فرانسوی)	او (سمنانی) به معنی ow آب
u	او (کوتاه)	دو (فریزندی) به معنی دوغ du
û	او (کشیده)	رو (گیلکی و فریزندی) rû به معنی رو
ü	او (دارای صوتی بین u و ou فرانسوی)	کوزه (فریزندی ویرنی) küzâ به معنی کوزه
e	ا (همزه مکسور کوتاه)	امروز (فارسی) emrûz
ə	ا (همزه مکسور، نظیر e در devant فرانسوی)	ارش (اوستایی) eresh به معنی راست
ê	ا (همزه مکسور کشیده، یای مجهول)	خش (پهلوی) xvêsh به معنی خویش
i	ای (کوتاه)	مهی (گیلکی) mahi به معنی ماهی
î	ای (کشیده)	شیر (فارسی) به معنی shîr لبن عربی
b	ب	بار (فارسی) bâr
p	پ	پر (فارسی) por
t	ت	تاب (فارسی) tâb

۱. a در آخر کلمات، در نگارش فارسی به صورت «های غیرملفوظ» نوشته شده مانند پوخده در جدول فوق.

حروف مقرر	معادل فارسی	مثال
th	ث (مانند ثای عربی)	ثراتانه Thraëtaona (اوستایی) فریدون
j	ج	برنج (فارسی) berenj
c	چ	چوب (فارسی) cûb
\h	ح	حال (عربی) به معنی hâl وضع و چگونگی
x	خ	تخت (فارسی) taxt
d	د	دود (فارسی) dūd
dh	ذ (مانند ذال عربی)	پوخذه (اوستایی) puxdha به معنی پنجم
r	ر	راز (فارسی) rāz
z	ز	زار (فارسی) zâr
zh	ژ	باژ (فارسی) bâzh
s	س	سال (فارسی) sâl
c	س (نظیر c فرانسوی)	ساکيامونی Cakyamuni (سانسکریت) نام بودا
sh	ش	شال (فارسی) shâl
\s	ص (صاد عربی)	صبر (عربی) به معنی sabr شکیبایی
\z	ض (ضاد عربی)	ضلال (عربی) به معنی zafâl گمراهی
\t	ط (طاء عربی)	طبل (عربی) به معنی tabl دهل
\z	ظ (ظاء عربی)	ظلم (عربی) به معنی zolm ستم
،	ع (عین عربی)	عین (عربی) به معنی ayn چشم
\gh	غ (غین عربی)	غلام (عربی) gholâm به معنی پسر، بنده
f	ف	برف (فارسی) barf
q	ق (نظیر قاف عربی)	قاطر (شهمیرزادی) qâter به معنی قاطر
k	ک	کار (فارسی) kâr
g	گ	گور (فارسی) gûr
l	ل	لال (فارسی) lâl

۱. برای شناختن حای حطی از های هوز و صاد از سین و طای مؤلف از تای منقوط و ضاد و طای مؤلف از زای اخب الراء، همواره پس از

نقل تلفظ کلمه با حروف لاتینی، همان کلمه به خط عربی - فارسی نیز ثبت می شود.

۲. در اول اسماء خاص یونانی «ل» بکار برده شده.

حروف مقرر	معادل فارسی	مثال
m	م	مادر (فارسی) mādār
n	ن	نام (فارسی) nām
v	و	وام (فارسی) vām
h	ه	راه (فارسی) rāh یار (فارسی) yār
y	ی (یای اول و یای مشدد)	ایوم (اوستایی) ōyūm یک

جدول تطبیق حروف یونانی و لاتینی با حروف فارسی فرهنگ معین

زبان‌شناسان الفبای یونانی و لاتینی را اقتباس کرده با تغییراتی جزئی الفبایی ترتیب داده‌اند که بدان، حروف مصوت و غیر مصوت زبانها و لهجه‌های خاوری و باختری به آسانی نوشته و خوانده می‌شود. ما نیز در فرهنگ حاضر همین الفبا را به کار برده‌ایم.

حرف	معادل فارسی و زبانهای دیگر	مثال
'	ء (همزه، نظیر همزه آخر کلمات عربی)	ابتلاء (عربی) ebtelā به معنی آزمودن و گرفتاری
"	آ (الف ممدود در خطوطی که حرکات داخل حروف نیست)	آدینگ (پارتی) "dyng" به معنی آینه
a	آ (فتحه یا زیر)	ابر (فارسی) abr
ā	آ (الف ممدود)	آباد (فارسی) ābād
à	آ (در بینی تلفظ شود)	آخنه (اوستایی) àxna به معنی لگام
á	ا (نوعی فتحه در بعض لهجه‌ها)	ببر (کابلی) bábar به معنی ببر
ä	(نظیر a در انگلیسی)	بد (گیلکی) به معنی بد bād
o	أ (ضمه یا پیش)	استاد (فارسی) ostād
ō	أ (ضمه اشباع شده، همزه مضموم کشیده، واو مجهول)	ایوم (اوستایی) ōyūm به معنی یک